



Original article

The Role of Adverbs of Time and Place in the Story "Adoration of Pure Benevolence"

Hayder Ali Khashan AL-Janabi

Department of Persian Language, College of Languages, University of Kufa

ABSTRACT

This study examines the role of adverbs of time and place in the story Adoration of Pure Benevolence by Mohammad Ali Jamalzadeh, showing how they move beyond their grammatical function to shape narrative structure, characterization, and social criticism. The research focuses on how these adverbs become conceptual and ideological tools in the fictional text. Using a qualitative descriptive-analytical method, the study analyzes sentences from the story containing adverbs of time and place. These examples were identified, classified according to their type and position, and examined from semantic and narrative perspectives. The research includes theoretical discussions on adverbs in traditional and modern grammar, a review of previous studies, and a detailed analysis of their functions in the story. The findings reveal that adverbs of time organize the sequence of events and highlight value conflicts, while adverbs of place construct narrative space and deepen indirect characterization and social criticism.

*Correspondence author:
haydera.aljanabi@uokufa.edu.iq

Received: 15 March 2026
Accepted: 02 April 2026
Published: 01 May 2026

DOI:

<https://doi.org/10.31185/wjfh.Vol22.Iss2.1773>



1812-0512 / © 2026 The Author(s). Published by Wasit Journal for Humanities Sciences, Wasit University. This is an open access article under the CC BY-NC-ND license (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

Cite:

AL-Janabi, H. A. K. (2026). The Role of Adverbs of Time and Place in the Poem of Pure Benevolence. Wasit Journal for Human Sciences, 22(2). <https://doi.org/10.31185/wjfh.Vol22.Iss2.1773>

Keywords: adverbs of time, adverbs of place, grammatical and semantic role, critical humor.

نقش قیدهای زمان و مکان در قصه خیر خواهی محض

م.د. حیدر علی خشان الجناہی
قسم اللغة الفارسیة، كلية اللغات، جامعة الكوفة، النجف، العراق

خلاصه

این پژوهش با هدف بررسی نقش قیدهای زمان و مکان در داستان *خیرخواهی محض* اثر محمدعلی جمالزاده انجام شده و می‌کوشد نشان دهد که این عناصر زبانی چگونه فراتر از کارکرد صرفاً دستوری، در شکل‌دهی به ساخت روایت، شخصیت‌پردازی و انتقال نقد اجتماعی نقش‌آفرینی می‌کنند. مسئله اصلی تحقیق، تبیین چگونگی تبدیل قیدهای زمان و مکان به ابزارهای معناپرداز و ایدئولوژیک در متن داستانی است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر رویکردی کیفی است. داده‌ها شامل جملات داستانی حاوی قیدهای زمان و مکان‌اند که پس از شناسایی، بر اساس نوع قید، جایگاه نحوی و نوع جمله طبقه‌بندی و سپس از منظر معنایی و روایی تحلیل شده‌اند. ساختار تحقیق شامل مباحث نظری مربوط به قید در دستور سنتی و جدید، مرور پیشینه پژوهش، تحلیل تفصیلی قیدهای زمان و مکان در داستان، مقایسه کارکرد این دو نوع قید و در نهایت نتیجه‌گیری است. یافته‌ها نشان می‌دهد قیدهای زمان با سامان‌دهی توالی رویدادها، ایجاد تعلیق و برجسته‌سازی تقابل‌های ارزشی، ستون فقرات روایت را می‌سازند؛ در حالی که قیدهای مکان با فضاسازی، تصویرسازی و بازنمایی روابط قدرت، نقش مهمی در شخصیت‌پردازی غیرمستقیم و تعمیق طنز تلخ و نقد اجتماعی داستان ایفا می‌کنند.

واژگان کلیدی: قید زمان، قید مکان، نقش دستوری و معنایی، طنز انتقادی.

مقدمه

مطالعه عناصر زبانی در متون ادبی، به‌ویژه عناصری که در نگاه نخست حاشیه‌ای یا غیرهسته‌ای به نظر می‌رسند، می‌تواند افق‌های تازه‌ای از معنا، ساختار و ایدئولوژی متن را آشکار سازد. قیدها از جمله این عناصرند که اگرچه در دستور سنتی جزو اجزای اصلی جمله به شمار نمی‌آیند، اما در سطح گفتمان و روایت، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به زمان، فضا، شخصیت و حتی جهت‌گیری ارزشی متن ایفا می‌کنند. داستان خیرخواهی محض اثر محمدعلی جمالزاده، با نثر جزئی‌نگر و طنز انتقادی خود، بستری مناسب برای بررسی کارکردهای فرادستوری قیدهای زمان و مکان فراهم می‌آورد.

اهمیت تحقیق

اهمیت این پژوهش از آن‌جا ناشی می‌شود که بیشتر مطالعات ادبی، عناصر نحوی مانند قید را صرفاً در چارچوب دستور جمله بررسی کرده‌اند و کمتر به نقش آن‌ها در ساخت روایت، شخصیت‌پردازی و نقد اجتماعی پرداخته‌اند. تحلیل قیدهای زمان و مکان در این داستان نشان می‌دهد که چگونه یک عنصر به‌ظاهر فرعی می‌تواند به ابزاری مؤثر برای سازمان‌دهی روایت، تولید طنز تلخ و افشای مناسبات قدرت و اخلاق ریاکارانه تبدیل شود. از این رو، این تحقیق می‌تواند پیوندی میان مطالعات زبانی و تحلیل ادبی برقرار کند.

پیشینه تحقیق

در پژوهش‌های مربوط به قید در زبان و ادب فارسی، نخست توجه‌ها بیشتر معطوف به توصیف ساختار و جایگاه دستوری این عنصر بوده است. عمران‌پور (۱۳۸۶) در پژوهش کارکرد هنری قید و گروه‌های قیدی در اشعار شاملو با رویکردی ادبی-تحلیلی نشان می‌دهد که قیدها و گروه‌های قیدی نقشی فراتر از کارکرد نحوی دارند و در فضاسازی، القای حالات روانی و تقویت لحن اجتماعی شعر مؤثرند. این پژوهش از نخستین مطالعاتی است که قید را به‌عنوان عنصری معناپرداز و بلاغی در متن ادبی معاصر بررسی کرده است. سنگانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ی طرح دستوری قید با رویکردی نحوی و آموزشی، به بررسی ساختار، انواع و جایگاه قید در زبان فارسی می‌پردازد و تصویری کلی از وضعیت این مقوله در دستور زبان ارائه می‌دهد. تمرکز این پژوهش بر توصیف دستوری قید است و به کارکردهای روایی یا گفتمانی آن در متون ادبی توجهی ندارد. خزایی و رضایی (۱۳۹۸) با بهره‌گیری از دو رهیافت افزودهبنیاد سنتی و شاخص‌بنیاد چینکوئه، جایگاه قید را در ساختار نحوی زبان فارسی تبیین کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قید، علی‌رغم حذف‌پذیری صوری، نقش مهمی در گسترش ساخت جمله و تحدید دامنه معنایی هسته‌ها دارد؛ با این حال، رویکرد آن عمدتاً زبان‌شناختی است و به تحلیل کارکردهای متنی و ادبی قید نمی‌پردازد. اکبرزاده و خلیلی (۱۳۹۹) در پژوهشی توصیفی-تحلیلی، کارکردهای قید را در اشعار دقیقی و فردوسی توسی بررسی کرده و نشان داده‌اند که قیدها علاوه بر تعیین زمان و مکان، در برجسته‌سازی کنش‌ها، ایجاد ریتم و انتقال مفاهیم ارزشی در متون کلاسیک نقش مؤثری دارند. این پژوهش بر اهمیت قید در سازمان‌دهی معنایی و هنری متن تأکید می‌کند.

پژوهش مبارک و لک (۱۴۰۱) با رویکردی کمی-توصیفی، به بررسی جایگاه و بسامد قیدها در روایت *امیر ارسلان رومی* پرداخته و تمرکز آن بر توزیع نحوی و فراوانی قیدهاست. در مقابل، پژوهش حاضر با رویکردی کیفی-تحلیلی، نقش قیدهای زمان و مکان را در شکل‌دهی به ساخت روایت، شخصیت‌پردازی و نقد اجتماعی داستان *خیرخواهی محض* بررسی می‌کند. همچنین، پژوهش مبارک و لک بر متنی روایی-کلاسیک تمرکز دارد، در حالی که این تحقیق داستانی معاصر و طنزآمیز را تحلیل می‌کند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر قید را نه صرفاً به‌عنوان واحدی نحوی، بلکه به‌مثابه عنصری معناپرداز و ایدئولوژیک بررسی می‌کند.

مسئله تحقیق

مسئله اصلی این پژوهش آن است که قیدهای زمان و مکان در داستان *خیرخواهی محض* چه نقشی در شکل‌دهی به ساختار روایت، شخصیت حاجی‌آقا و انتقال پیام انتقادی نویسنده ایفا می‌کنند و چگونه از سطح یک ابزار دستوری فراتر رفته و به عنصری معناپرداز بدل می‌شوند.

سؤالات تحقیق

1. قیدهای زمان و مکان در این داستان در چه جایگاه‌های نحوی‌ای به کار رفته‌اند و چرا؟
2. این قیدها چگونه به سازمان‌دهی روایت خطی و ایجاد تعلیق کمک می‌کنند؟
3. نقش قیدهای زمان و مکان در شخصیت‌پردازی غیرمستقیم حاجی‌آقا چیست؟
4. چگونه تقابل‌های زمانی و مکانی به بازنمایی نقد اجتماعی و طنز تلخ داستان می‌انجامند؟

روش تحقیق

این پژوهش به روش تحلیل توصیفی-تحلیلی . داده‌های پژوهش شامل جملات داستان خیرخواهی محض است که در آن‌ها قیدهای زمان و مکان به کار رفته‌اند. ابتدا قیده‌ها شناسایی و بر اساس نوع، جایگاه نحوی و نوع جمله طبقه‌بندی شده‌اند؛ سپس کارکردهای معنایی و روایی آن‌ها در ارتباط با ساختار داستان، شخصیت‌پردازی و نقد اجتماعی تحلیل شده است. چارچوب نظری تحقیق بر تلفیق دستور زبان فارسی و تحلیل ادبی-گفتمانی استوار است.

قید

در زبان فارسی، قید از اجزای اصلی جمله به شمار نمی‌آید، اما در اغلب جمله‌ها حضور دارد و نقشی اساسی در انتقال دقیق مقصود گوینده ایفا می‌کند. به همین دلیل، دستورنویسان تعریف‌ها و طبقه‌بندی‌های متعددی برای این عنصر زبانی ارائه کرده‌اند. از دیدگاه مفهومی، قیده‌ها به انواعی چون زمان، مکان، علت، حالت و مانند آن تقسیم می‌شوند و گاه نیز در قالب قیده‌های خاص و مشترک بررسی می‌گردند. قید کلمه‌ای است که مفهوم جمله فعل، صفت، قید و کلمات دیگری غیر از اسم و جانشین اسم را مقید سازد یا حالت و هیئت فاعل مفعول بی واسطه و فعل تام را در حین صدور فعل تعیین کند (معین، ۱۳۸۷، ص. ۸۱۱-۸۱۲).

در دستور سنتی، قید عنصری دانسته شده است که به فعل، صفت، مسند، مصدر یا حتی قید دیگر افزوده می‌شود و با مقید ساختن آن، معنای تازه‌ای به آن می‌بخشد. قید را عنصری معرفی می‌کند که مضمون جمله یا اجزای غیر اسمی آن را مقید کرده و بر معنای آن می‌افزاید (فرشیدورد، ۱۳۸۴، ص. ۴۵۹). قید را واحدی می‌دانند که مفهومی به مفهوم فعل، صفت، مسند یا قید دیگر می‌افزاید و آن را محدود و دقیق می‌سازد (انوری و گیوی، ۱۳۹۷، ص. ۲۲۱).

در مقابل، دستورهای جدید مبتنی بر زبان‌شناسی، قید یا گروه قیدی را به‌عنوان یک واحد دستوری مستقل تعریف می‌کنند. گروه قیدی را جزئی توضیحی از جمله می‌دانند که فعل به آن وابسته نیست و حذف آن خللی در ساخت نحوی جمله ایجاد نمی‌کند (وحیدیان و عمرانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۲). نیز گروه قیدی واحدی است که از یک یا چند واژه تشکیل می‌شود و هسته آن قید است (مشکوه الدینی، ۱۳۷۹، ص. ۲۰۷). قید با افزودن مفاهیمی چون زمان، مکان، کمیت و کیفیت، دامنه معنایی هسته خود را روشن‌تر می‌سازد و از این طریق به شفافیت پیام در فرایند ارتباط کمک می‌کند (عمران‌پور، ۱۳۸۶، ص. ۷۸). در مجموع، آنچه در بیشتر این تعریف‌ها مشترک است، تأکید بر نقشی است که قید در محدود کردن و دقیق‌تر کردن معنای اجزای جمله ایفا می‌کند.

به دلیل گستردگی دامنه معنایی قید، طبقه‌بندی آن می‌تواند بسیار متنوع باشد. با این حال، می‌توان مهم‌ترین مفاهیم قیدی را در چند حوزه کلی خلاصه کرد؛ از جمله: زمان، مکان، مبدأ زمانی و مکانی، مقصد زمانی و مکانی، وضعیت و حالت، مقدار، ترتیب، تکرار، علت، شرط، استثناء، حصر، تردید، منظور و هدف، همراهی و هماهنگی، تشبیه، آرزو، تقابل، نتیجه، تأکید، نفی و پرسش (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۹، ص. ۲۰۳-۲۰۶). این تنوع نشان می‌دهد که قیده‌ها نقشی اساسی در تبیین روابط معنایی جمله ایفا می‌کنند و کارکرد آن‌ها تنها به بیان زمان و مکان محدود نمی‌شود، بلکه طیف گسترده‌ای از روابط منطقی و گفتمانی را نیز در بر می‌گیرد.

گذری بر داستان خیرخواهی محض

این داستان روایتی طنزآمیز و در عین حال انتقادی از مناسبات خانواده، اخلاق فردی و عقلانیت ابزاری در جامعه‌ای سنتی- مدرن است. راوی از دیدار زوجی جوان با پدری سالخورده، ثروتمند و به‌شدت خسیس سخن می‌گوید؛ مردی که با وجود کهولت سن، همچنان در اندیشه سود، اندوختن مال و بدبینی بیمارگونه نسبت به اطرافیان است. او نمونه‌ای اغراق‌شده اما باورپذیر از «پدرسالار اقتصادی» است که همه‌چیز را با معیار نفع شخصی می‌سنجد.

زوج جوان که سال‌هاست صاحب فرزند نشده‌اند و به دلایل اخلاقی و اجتماعی از چندهمسری پرهیز کرده‌اند، تصمیم می‌گیرند کودکی را به فرزندی بپذیرند. با وجود آگاهی و مطالعه، پیچیدگی‌های اخلاقی، پزشکی و اجتماعی این تصمیم آنان را مردد می‌کند. از این رو، به‌رغم شناختی که از خودخواهی و سوءظن پدر دارند، برای مشورت به سراغ او می‌روند؛ زیرا به هوش و تجربه‌اش باور دارند.

پدر، پس از مقدمه‌چینی‌های طولانی، بدبینی‌ها و نصیحت‌های کلیشه‌ای، نگرانی‌هایی شبه‌علمی و اخلاقی درباره وراثت، بیماری‌ها و «فساد ذاتی» کودکان بی‌نسب مطرح می‌کند. این سخنان که ظاهری عقلانی دارند، زوج را دلسرد می‌کند، اما ناگهان او راه‌حلی به‌ظاهر «خیرخواهانه» ارائه می‌دهد: یافتن دختری جوان و سالم از خانواده‌ای فقیر و سپردن او به پدر، تا خود مسئول «تولید» کودکی بی‌خطر و قابل اعتماد شود.

پایان داستان با افشای این پیشنهاد، ماهیت واقعی شخصیت پدر را عیان می‌کند: خیرخواهی‌ای که در حقیقت پوششی است برای سوءاستفاده، سلطه و خودمحموری. داستان از نظر ادبی با نثر جزئی‌نگر، تکرارهای حساب‌شده، توصیف‌های رفتاری (قند، دوا، حساب و کتاب) و طنز تلخ، نقدی عمیق بر اخلاق ریاکارانه و عقلانیت فاسد ارائه می‌دهد و مرز میان «مصلحت‌اندیشی» و «فساد اخلاقی» را به چالش می‌کشد.

این داستان شامل انواع زیادی از قیدها، مانند قید زمان، قید مکان و قیدحالت و ... است. ولی به دلیل وسعت مطالب، پژوهشگر فقط قیدهای زمان و مکان در داخل جملات، جایگاه آن در هر جمله، دلیل قرارگیری آن در آن جایگاه، نوع جمله و چگونگی تأثیر آن بر داستان از نظر ساختار و معنا بررسی، شناسایی و تعریف خواهد کرد.

۱- قید زمان

قیدهایی را که معنی آنها به نحوی به زمان مربوط می‌شود یا اوقات و نوع فعل را نشان می‌دهند، قید زمان می‌گویند (انوری و گیوی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۷). قید زمان در فارسی به زمان وقوع فعل دلالت می‌کند و معمولاً این قیدها اسم اند -قیدهای مشترک- و در جمله در جایگاه قیدی به کار می‌روند و در اغلب با حروف اضافه می‌آیند گاهی در زبان فارسی جمله در نقش قید زمان است و با تأویل می‌توان آن را به قید غیر جمله تبدیل کرد (وفایی، ۱۳۹۱، ص. ۲۴۰). جمله واره‌هایی که با حرف ربط یا گروه ربطی زمانی بیانند و زمان فعل جمله واره دیگری را معین کنند در حکم قید یا متمم قیدی زمانند و جمله واره قیدی زمان نامیده می‌شوند (فریشدورد، ۱۳۸۲، ص. ۳۱۲).

- 1- **الان** (داستانی که **الان** می‌خواهم برایتان بنویسم سرگذشت واقعی است...) (جمالزاده، 1389، ص. 113) قید پیش از فعل در جمله خبری برای ایجاد ارتباط مستقیم با زمان حال روایت آمده است و از نظر معنایی زنده بودن و معاصر بودن داستان القا می‌کند.
- 2- **همین اواخر** (... و **همین اواخر** در ژنو به گوش خود شنیدم) (همان، ص. 113) قید در میانه جمله خبری برای تأکید تازگی واقعه آمده است و از نظر معنایی افزایش باورپذیری و مستند بودن داستان توضیح می‌دهد.
- 3- **در جوانی** (... که **در جوانی** از ولایت خود با پای پیاده به تهران آمده بوده است...) (همان، ص. 113) قید در ابتدای گروه قیدی در جمله خبری برای تعیین دوره‌ای از زندگی شخصیت آمده است و از نظر معنایی کمک به شخصیت‌پردازی و مقایسه گذشته و حال نقش می‌کند.
- 4- **امروز** (... و **امروز** دارای آلف والوف ثروت و مکننت هنگفتی شده است...) (همان، ص. 113) قید پیش از فعل در جمله خبری برای نمودن تقابل زمانی با گذشته آمده است و از نظر معنایی نشان دادن تغییر موقعیت اجتماعی توضیح می‌دهد.
- 5- **هر ساعت و هر دقیقه** (... و **هر ساعت و هر دقیقه** در پی دخل و نفع است) (همان، ص. 113) قید پیش از فعل در جمله خبری برای نشان دادن استمرار آمده است و از نظر معنایی اغراق در حرص و طمع شخصیت بیان می‌کند.
- 6- **سابقاً** (این عمل که **سابقاً** معمول بود...) (همان، ص. 114) قید در ابتدای جمله خبری برای نشان دادن تقابل با زمان حال آمده است و از نظر معنایی نشان دادن تغییر عرف اجتماعی ایفا می‌کند.
- 7- **امروز دیگر** (... **امروز دیگر** مطلوب و مقبول نیست) (همان، ص. 114) قید در ابتدای جمله خبری برای نشان دادن تأکید بر تغییر زمانه آمده است و از نظر معنایی برجسته‌سازی فاصله نسل‌ها بیان می‌کند.
- 8- **پس از دو سه ماه** (**پس از دو سه ماه** فکر و تبادل افکار...) (همان، ص. 114) قید در ابتدای جمله خبری برای نشان دادن نمایش فاصله زمانی آمده است و از نظر معنایی کند کردن ضرب آهنگ روایت اظهار می‌کند.
- 9- **مدتها** (... **مدتها** را **مدتها** بود شمرده بودیم...) (همان، ص. 115) قید پیش از فعل در جمله خبری برای نشان دادن استمرار در گذشته آمده است و از نظر معنایی شناخت عمیق و طولانی توضیح می‌دهد.
- 10- **به تازگی** (... **به تازگی** دچار سکنه ناقص شده بود) (همان، ص. 115) قید پیش از فعل در جمله خبری برای نشان دادن تأکید بر جدید بودن وضعیت آمده است و از نظر معنایی افزایش حس واقع‌گرایی ایفا می‌کند.
- 11- **مدتی** (... و **مدتی** در فکر فرو رفت) (همان، ص. 115) قید پیش از فعل در جمله خبری برای نشان دادن ایجاد ابهام زمانی طبیعی آمده است و از نظر معنایی نشان دادن تأمل و سکوت توضیح می‌کند.
- 12- **نگاه** (**نگاه** نگاهی به ما انداخت) (همان، ص. 115) قید در ابتدای جمله خبری برای نشان دادن پیوند دو کنش پیاپی آمده است و از نظر معنایی پیشبرد نرم روایت اظهار می‌کند.
- 13- **همین که** (**همین که** از مکیدن قند فارغ شد...) (همان، ص. 116) قید در ابتدای جمله وابسته برای نشان دادن همزمانی آمده است و از نظر معنایی ایجاد تعلیق کوتاه اظهار می‌کند.

- 14- هر دو ساعت یک بار (...باید هر دو ساعت یک بار بخورد) (همان، ص. 117) قید پس از فعل در جمله خبری برای تکمیل اطلاعات دقیق آمده است و از نظر معنایی افزایش جزئی‌نگری و واقع‌نمایی توضیح می‌کند.
- 15- امروز سه‌شنبه (...گفت امروز سه‌شنبه است جمعه بیاید...) (همان، ص. 118) قید در ابتدای جمله خبری برای تعیین زمان دقیق آمده است و از نظر معنایی ایجاد نظم زمانی در روایت ایفا می‌کند.
- 16- جمعه بعدازظهر (...جمعه بعدازظهر سری به من بزنید) (همان، ص. 118) قید متمم زمانی در جمله خبری برای تعیین وعده‌گذاری روایی آمده است و از نظر معنایی ایجاد انتظار در داستان توضیح می‌کند.
- 17- روز جمعه (روز جمعه در ساعت مقرر به سراغش رفتیم) (همان، ص. 118) قید در ابتدای جمله خبری برای تعیین بازگشت به وعده آمده است و از نظر معنایی پیوستگی زمانی روایت اظهار می‌کند.
- 18- در ساعت مقرر (روز جمعه در ساعت مقرر به سراغش رفتیم) (همان، ص. 118) قید متمم قیدی در جمله خبری برای تاکید نظم روایی آمده است و از نظر معنایی نشان دادن دقت و قطعیت توضیح می‌کند.
- 19- ساعتها (...و من ساعتها به کار شما فکر کردم) (همان، ص. 118) قید پیش از فعل در جمله خبری برای اغراق زمانی آمده است و از نظر معنایی برجسته‌سازی اهمیت موضوع ایفا می‌کند.
- 20- در این دو سه روزه (در این دو سه روزه این مشکل فکرم را مشغول داشت) (همان، ص. 119) قید در ابتدای جمله خبری برای تعیین بازه محدود آمده است و از نظر معنایی افزایش شدت درگیری توضیح می‌کند.
- 21- از همین امروز (...که شما از همین امروز در صدد برآید...) (همان، ص. 121) قید در ابتدای جمله خبری برای تعیین آغاز رسمی تصمیم آمده است و از نظر معنایی ایجاد نقطه عطف ایفا می‌کند.
- 22- پس از نه ماه و نه روز (...که پس از نه ماه و نه روز کوچکی تحویل می‌دهم...) (همان، ص. 122) قید در ابتدای جمله خبری برای تعیین نتیجه‌گیری زمانی آمده است و از نظر معنایی ایجاد شوک، طنز تلخ و افشای نیت توضیح می‌کند.
- در مجموع قیدهای زمان نقشی فراتر از کارکرد صرفاً دستوری دارند و به‌مثابه یکی از عناصر بنیادین ساختار روایت عمل می‌کنند. روایت خطی داستان بر محور همین قیدها شکل می‌گیرد و توالی رویدادها به‌گونه‌ای سامان می‌یابد که خواننده حرکت تدریجی زمان را به‌وضوح احساس می‌کند. نویسنده با تکیه بر قیدهای زمان، گذشته، حال و آینده را نه‌تنها به‌عنوان مقاطع زمانی، بلکه به‌عنوان عرصه‌های تقابل ارزشی و فکری در برابر یکدیگر قرار می‌دهد. این تقابل زمانی، بستری مناسب برای طنز اجتماعی و افشاگری اخلاقی فراهم می‌سازد؛ چراکه فاصله میان آنچه «بوده» و آنچه «هست» به شکلی کنایه‌آمیز برجسته می‌شود.
- از سوی دیگر، قیدهای زمان ابزار مهمی در شخصیت‌پردازی حاجی‌آقا به شمار می‌آیند. تأکید مداوم بر گذشته، نشان‌دهنده وابستگی او به ارزش‌ها و باورهای است که کارکرد خود را در زمان حال از دست داده‌اند. در مقابل، ناتوانی او در درک تحولات زمان حال و بی‌اعتنایی‌اش به آینده، تصویری از شخصیتی ایستا، خودمحور و گرفتار تناقض‌های اخلاقی ارائه می‌دهد. به این ترتیب، زمان نه‌تنها بُعدی روایی، بلکه معیاری برای سنجش تحول یا رکود شخصیت‌هاست.
- قیدهای زمان همچنین در ایجاد تعلیق داستانی نقش اساسی دارند. نویسنده با هدایت تدریجی خواننده از گذشته به حال و سپس اشاره‌های حساب‌شده به آینده، نوعی انتظار و کشش روایی ایجاد می‌کند. این تعلیق در پایان داستان به اوج می‌رسد؛ جایی که

یک قید زمانی ساده اما معنادار، ضربه نهایی را وارد می‌کند. این قید پایانی، هم طنز تلخ داستان را به نقطه اوج می‌رساند و هم پیام انتقادی نویسنده درباره تغییر ارزش‌های اجتماعی و نفاق اخلاقی را به شکلی فشرده و اثرگذار آشکار می‌سازد.

ب- قید مکان

در زبان فارسی قید مکان به مکان وقوع فعل دلالت می‌کند و معمولاً این قیدها اسم اند -قیده‌های مشترک- و در جمله در جایگاه قیدی به کار می‌روند و در اغلب با حروف اضافه می‌آیند (وفایی، 1391، ص. 240). در جمله‌های مرکب، جمله‌واره‌هایی که با حروف ربط یا گروه‌های ربطی مکانی می‌آیند و مکان وقوع فعل جمله‌واره‌ای دیگر را تعیین می‌کنند، از نظر نحوی در حکم قید مکان یا متمم قیدی مکان هستند. برای مثال، در جمله: «هر جا بروی، من هم می‌آیم» جمله‌واره «هر جا بروی» نقش قید مکان برای فعل «می‌آیم» را ایفا می‌کند. حروف ربط و گروه‌های ربطی مکانی شامل ترکیب‌هایی چون: کجا؛ به‌معنای «هر جا» ، جایی‌که، هر جا، هر جا که، آن‌جا که، هر آن‌جا که، هر کجا، هر کجا که، همان‌جا که، جایی‌که و... مانند آن‌هاست (فریشدورد، 1382، ص. 311).

1- در ژنو (همین اواخر بر ژنو به گوش خودم از صاحبان سرگنشت شنیدم) (...)(جمالزاده، 1389، ص. 113) قید پس از گروه فعلی در جمله خبری قرار گرفت چون قید مکان معمولاً بعد از فعل یا متمم فعل شنیدن می‌آید و از نظر معنایی ایجاد اعتبار و عینی‌بودن روایت را (شنیده‌شده در خارج از ایران) تقویت می‌کند.

2- از ولایت خود (...در جوانی از ولایت خود با پای پیاده به تهران آمده بوده است) (همان، ص. 113) قید پیش از متمم در جمله خبری قرار گرفت برای تعیین ترتیب طبیعی: مبدأ ← مقصد آمده است و از نظر معنایی فقر و سادگی آغاز زندگی را القا می‌کند.

3- به تهران (...در جوانی از ولایت خود با پای پیاده به تهران آمده بوده است) (همان، ص. 113) قید پس از متمم در جمله خبری قرار گرفت برای تعیین جهت و مقصد فعل حرکتی «آمدن» آمده است و از نظر معنایی مسیر ترقی و مهاجرت را برجسته می‌کند.

4- در جلد اول (...بر جلد اول کتاب سرو ته یک کرباس شمه‌ای از...) (همان، ص. 113) گروه قیدی در ابتدای جمله خبری قرار گرفت برای تعیین محدوده مکانی-متمی آمده است و از نظر معنایی ارجاع بینامتنی و مستند بودن روایت توضیح می‌کند.

5- به سراغش (تصمیم گرفتیم که برویم با او مشورت نمائیم به سراغش رفتیم) (همان، ص. 115) قید بعد از فعل مرکب در جایگاه طبیعی متمم فعلی جمله روایی قرار گرفت و از نظر معنایی آغاز کنش اصلی داستان ایفا می‌کند.

6- روی فرش (...روی فرش در وسط اطاق... نشسته بود) (همان، ص. 115) قید پیش از قید در جمله توصیفی قرار گرفت برای تعیین حرکت از کلی به جزئی آمده است و از نظر معنایی فضای سنتی و قدیمی را القا می‌کند.

7- در وسط اطاق (...روی فرش بر وسط اطاق... نشسته بود) (همان، ص. 115) قید بعد از قید اول در جمله توصیفی قرار گرفت برای تحدید مکان قبلی آمده است و از نظر معنایی تمرکز بصری خواننده توصیف می‌کند.

- 8- در میان دفتر و دستکها (...روی فرش در وسط اطاق و بر میان دفتر و دستکهای حساب و مطالباتش نشسته بود نشسته بود) (همان، ص.115) قید بعد از قید دوم در جمله توصیفی قرار گرفت برای انباشت قید برای تصویرسازی آمده است و از نظر معنایی وسواس مالی شخصیت را برجسته می‌کند.
- 9- در جلو چشم ما (نیم حب قند را بر جلو چشم ما در قطعه کاغذی پیچید) (همان، ص.115) قید پیش از فعل در جمله توصیف نمایشی قرار گرفت برای تأکید نمایشی آمده است و از نظر معنایی افراطی را عینی و خنده‌دار می‌کند.
- 10- در جیب بغل (...کاغذی پیچیده بر جیب بغل گذاشت) (همان، ص.115) قید بعد از مفعول در جایگاه طبیعی متمم مکانی جمله روایی قرار گرفت و از نظر معنایی تثبیت ویژگی شخصیتی توضیح می‌کند.
- 11- در جلو او (...ما که بر جلو او روی صندلی نشسته بودیم) (همان، ص.116) قید پیش از فعل در جمله روایی قرار گرفت برای تعیین موقعیت فیزیکی شخصیت‌ها آمده است و از نظر معنایی رابطه قدرت را نشان می‌دهد.
- 12- همینجا (...بیاورید همینجا با من آشنا کنید) (همان، ص.122) قید قبل از متمم فعلی در جمله امری روایی قرار گرفت برای تأکید مکانی آمده است و از نظر معنایی کنترل کامل حاجی‌آقا بر فضا نشان می‌دهد.
- 13- به تهران (...دختر را با شما به تهران بفرستند) (همان، ص.122) قید بعد از فعل در جمله روایی قرار گرفت برای تعیین مقصد حرکت آمده است و از نظر معنایی مرکز قدرت و تصمیم‌گیری توضیح می‌کند.
- در این داستان، قیده‌های مکان نقش‌بنیادین در شکل‌گیری معنا و ساختار روایت ایفا می‌کنند و کارکرد آن‌ها به‌مراتب فراتر از تعیین یک موقعیت جغرافیایی ساده است. نویسنده با بهره‌گیری هدفمند از قیده‌های مکانی‌ای چون «روی فرش»، «در وسط اطاق» و «در میان دفتر و دستک‌ها»، فضایی کاملاً دیداری و صحنه‌محور خلق می‌کند؛ فضایی که یادآور صحنه‌تئاتر است و امکان مشاهده دقیق رفتار و کنش شخصیت‌ها را برای خواننده فراهم می‌سازد. این تصویرسازی مکانی، روایت را عینی و ملموس کرده و مخاطب را به درون فضای بسته داستان می‌کشاند.
- قیده‌های مکان همچنین ابزار مهمی برای شخصیت‌پردازی غیرمستقیم حاجی‌آقا هستند. بدون آنکه نویسنده مستقیماً به صفاتی چون خساست، سلطه‌جویی یا میل به کنترل اشاره کند، مکان‌هایی که حاجی‌آقا در آن‌ها قرار می‌گیرد یا بر آن‌ها تسلط دارد، این ویژگی‌ها را به‌روشنی منتقل می‌کنند. جای‌گیری او «در وسط اطاق» یا در احاطه «دفتر و دستک‌ها» نمادی از مرکزیت قدرت و کنترل اوست و در عین حال، فضای محدود و حساب‌شده پیرامونش، ذهن بسته و محاسبه‌گرش را بازتاب می‌دهد.
- از منظر کلان‌تر، قیده‌های مکانی در ترسیم تقابل سنت و مدرنیته نقشی کلیدی دارند. حرکت از «ولایت» به «تهران» و سپس «ژنو»، سه قطب مکانی متفاوت را شکل می‌دهد که هر یک نماینده مرحله‌ای از سیر اجتماعی و فکری داستان‌اند. این جابه‌جایی مکانی، در واقع جابه‌جایی ارزشی را بازنمایی می‌کند. افزون بر این، انباشت قیده‌های مکان موجب کند شدن ریتم روایت می‌شود و خواننده را وادار می‌کند بر جزئیات مکتب کند؛ جزئیاتی که زمینه‌ساز طنز تلخ داستان‌اند. دقت مکانی در توصیف رفتارهای اغراق‌آمیز، مانند نصف‌کردن قند، هم خنده‌دار است و هم افشاگرانه. در نهایت، قیده‌های مکان ذهن خواننده را در فضای بسته و خفه دنیای حاجی‌آقا محصور می‌کنند؛ فضایی که بازتابی از منطق محدود و سلطه‌گر اوست و نقد اجتماعی نویسنده را به شکلی غیرمستقیم اما عمیق منتقل می‌سازد.

مقایسه نقش قید مکان با قید زمان در داستان

می‌توان گفت که قیده‌های زمان و مکان در این داستان دو سازوکار مکمل اما متمایز را در خدمت معنا و نقد اجتماعی نویسنده شکل می‌دهند. قیده‌های زمان بیش از هر چیز وظیفه سازمان‌دهی حرکت روایت را بر عهده دارند و با ایجاد پیوستگی میان گذشته، حال و آینده، ساختار خطی داستان را تثبیت می‌کنند. این سازمان‌دهی زمانی صرفاً روایی نیست، بلکه کارکردی معنایی دارد؛ زیرا از خلال تقابل دوره‌های زمانی، ایستایی فکری و اخلاقی حاجی‌آقا در برابر دگرگونی‌های اجتماعی آشکار می‌شود. بدین ترتیب، زمان به معیاری برای سنجش میزان همخوانی یا ناهماهنگی شخصیت با تحولات تاریخی بدل می‌گردد و در نهایت، با یک قید زمانی معنادار، ضربه پایانی طنزآمیز و تلخ داستان را رقم می‌زند.

در مقابل، قیده‌های مکان بیش از آنکه روایت را به جلو برانند، آن را در فضا متوقف می‌کنند و توجه خواننده را به جزئیات صحنه معطوف می‌سازند. این قیدها با خلق فضایی بسته، محدود و به شدت کنترل‌شده، جهان ذهنی حاجی‌آقا را به صورت عینی بازنمایی می‌کنند. مکان در این معنا، ابزار شخصیت‌پردازی غیرمستقیم است؛ چراکه روابط قدرت، خساست و میل به سلطه حاجی‌آقا نه از طریق توصیف صریح، بلکه از راه نحوه اشغال و سامان‌دهی فضاها آشکار می‌شود. افزون بر این، تقابل میان مکان‌هایی چون «ولایت»، «تهران» و «ژنو» نمود فضایی تقابل سنت و مدرنیته است و سیر اجتماعی داستان را به روشنی ترسیم می‌کند. در نهایت، می‌توان گفت قیده‌های زمان بُعد تاریخی و ارزشی نقد اجتماعی را شکل می‌دهند، در حالی که قیده‌های مکان بُعد عینی، فضایی و روان‌شناختی آن را تقویت می‌کنند. هم‌نشینی این دو عنصر، طنز تلخ داستان را عمیق‌تر کرده و خواننده را هم‌زمان در گذر زمان و در تنگنای فضای مسلط حاجی‌آقا قرار می‌دهد؛ وضعیتی که جوهره انتقادی روایت را به‌طور کامل نمایان می‌سازد.

نتیجه‌گیری

بررسی قیده‌های زمان و مکان در داستان *خیرخواهی محض* نشان می‌دهد که این عناصر زبانی، فراتر از نقش دستوری خود، به‌عنوان ابزارهایی بنیادین در شکل‌دهی به ساختار روایی، شخصیت‌پردازی و نقد اجتماعی عمل می‌کنند. قیده‌های زمان با سامان‌دهی توالی رویدادها، ایجاد پیوستگی میان گذشته، حال و آینده و برجسته‌سازی تقابل‌های زمانی، ستون فقرات روایت خطی داستان را می‌سازند. این قیدها به نویسنده امکان می‌دهند تا ایستایی فکری و اخلاقی حاجی‌آقا را در برابر پویایی تحولات اجتماعی نشان دهد و از خلال همین ناهماهنگی زمانی، طنز اجتماعی و افشاگری اخلاقی را به تدریج شکل دهد. نقطه اوج این کارکرد، در قید زمانی پایانی نمود می‌یابد که با فشردگی و دقت، هم ضربه روایی داستان را وارد می‌کند و هم تلخی پیام انتقادی آن را تشدید می‌سازد.

در مقابل، قیده‌های مکان با تمرکز بر فضاسازی، تصویرسازی و جزئی‌نگری، بُعد عینی و صحنه‌محور روایت را تقویت می‌کنند. انباشت قیده‌های مکانی، ریتم روایت را کند کرده و خواننده را وادار به مکث بر کنش‌ها و رفتارها می‌سازد؛ مکثی که زمینه‌ساز طنز تلخ و افشای مناسبات قدرت است. قیده‌های مکان به‌ویژه در شخصیت‌پردازی غیرمستقیم حاجی‌آقا نقشی اساسی دارند و با بازنمایی فضاها بسته، کنترل‌شده و سلسله‌مراتبی، ذهنیت سلطه‌گر، خسیس و خودمحور او را بدون توصیف مستقیم آشکار می‌کنند. همچنین، تقابل میان مکان‌هایی چون «ولایت»، «تهران» و «ژنو» نمود فضایی تقابل سنت و مدرنیته و بازتابی از جابه‌جایی‌های ارزشی در متن است.

در مجموع، می‌توان گفت قیدهای زمان و مکان در این داستان، دو محور مکمل در تولید معنا هستند: زمان بُعد تاریخی و ارزشی نقد اجتماعی را می‌سازد و مکان بُعد فضایی، روان‌شناختی و عینی آن را. هم‌افزایی این دو، طنز داستان را از سطح شوخی فراتر برده و آن را به ابزاری مؤثر برای نقد اخلاق ریاکارانه و عقلانیت فاسد در جامعه مورد نظر نویسنده تبدیل می‌کند.

فهرست منابع

کتابهای فارسی

- انوری، حسن و گیوی، حسن احمدی. (۱۳۶۷). دستور زبان فارسی ۲. تهران: فاطمی
- جمالزاده، سید علی. (۱۳۸۹). قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار. چاپ پنجم. تهران: سخن.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). جمله و تحول آن در زبان فارسی. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۴). دستور مفصل امروز. چاپ دوم. تهران: سخن.
- مشکوة الدینی، مهدی. (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی برپایه نظریه گشتاری. چاپ پنجم. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین (یک جلدی). چاپ اول. تهران: فرهنگ نما.
- وحیدیان، کامیار تقی و عمرانی، غلامرضا. (۱۳۸۲). دستور زبان فارسی ۱. چاپ پنجم. تهران: سمت
- وفایی، عباسعلی. (۱۳۹۱). (دستور تطبیقی فارسی عربی). چاپ اول. تهران: سخن.

مجله‌ها

- اکبرزاده، محمد علی و خلیلی، علی اکبر باقری. (۱۳۹۹). تحلیل کارکردهای قید در اشعار دقیقی و فردوسی توسی. فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی. شماره اول پیاپی (۱۵). صص ۱۰-۲۳.
- ترکاشوند، مریم و ایرانی، محمد. (۱۳۹۶). تحلیل نحوی معنایی «قید» در مخالف خوانیهای مبتنی بر نقد اجتماعی شعر عراقی با تکیه بر حافظ و مقایسه با دیگر شاعران. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). شماره ۳۷. صص ۲۹-۵۰.
- خزایی، ام البنین و رضایی، شجاع‌تفکری. (۱۳۹۸). تبیین جایگاه قید در زبان فارسی بر اساس دو رهیافت افزوده بنیاد سنتی و شاخص بنیاد چینه‌کوئه. فصلنامه علم زبان. شماره ۱۰. صص ۴۳-۷۱.
- سنگانی، فاطمه فاضلی. (۱۳۹۱). طرح دستوری قید. فصلنامه رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی. شماره ۲. صص ۵۲-۶۶.
- عمران پور، محمد رضا. (۱۳۸۶). کارکرد هنری قید و گروه‌های قیدی در اشعار شاملو، پژوهش‌های ادبی شماره ۱۸، صص ۷۷-۱۰۲.
- مبارک، وحید و لک، مریم. (۱۴۰۱). جایگاه قید و بسامد آن در روایت امیر ارسلان رومی. فصلنامه پژوهش‌های دستوری و بلاغی. شماره ۲۱. صص ۲۹۰-۲۶۱.